

درس دوم

بخش اول: مبادی و مقدمات اخلاق

اهمیت و ضرورت اخلاق

انسان موجودی است که دو خط سیر به سوی بی‌نهایت را در پیش دارد یا در مسیر هدایت به سوی «أعلى علیین» سفر می‌کند و یا در ضلالت و گمراهی به سمت «أسفل السافلین» سقوط می‌کند: **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ**^۱.

چرا که او موجودی برخوردار از قوه مدرکه - عقل - و نیز بهره‌مند از سرمایه بی‌نظیر «اختیار و آزادی» و حق انتخاب می‌باشد و راه‌های خوب و بد و زشت و زیبا برای او قابل فهم و درک می‌باشد و در کنار این فهم و درک و علم و آگاهی، اختیار دارد تا کدام راه را انتخاب کند؛ ولی در دنیا و آخرت، پیامدها و نتایج راهی که آزادانه برگزیده است برعهده خودش خواهد بود: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا**^۲.

تهذیب نفس در نگاه امام^و

معرفت و شناخت حاصل از راه درون — فطرت و عقل — و نیز هدایت و راهنمایی‌های بیرون - کتاب‌ها و رسولان الهی — به چنین موجودی کمک می‌کنند تا نفس خود را بسازد و تهذیب کند و مسیر کمال و طریق سعادت را در پیش گیرد. چرا که در وجودش امکان و ظرفیت صعود و سقوط و صالح یا طالح شدن وجود دارد، به گونه‌ای که اگر نفس خود را تهذیب نکند و دست به خودسازی نزند و مسیر سقوط از مقام انسانیت را طی کرده، موجود خطرناک و مخربی خواهد شد:

این انسان اگر سرخود باشد و مهار نداشته باشد، از همه حیوانات درنده‌تر و موذی‌تر است ... هیچ چیز انسان را سیر نمی‌کند مگر اینکه تربیت بشود که با این تربیت به منتها سیری که در این سیر آن منتها تمام چیزهایی است که انسان می‌خواهد و آن رسیدن به کمال مطلق [است]. به کمال مطلق اگر رسید این طمانینه برایش حاصل می‌شود.^۳

امام خمینی همگان را موظف به خودسازی و اصلاح نفس می‌داند:

همه ما مکلفیم به اینکه تزکیه بشویم. بعثت برای تزکیه آمده است. اگر تزکیه نباشد، هرچه در نفس واقع بشود، هر چیزی که در نفس بیاید، حجاب انسان است، همه مکلفیم که تزکیه

۴. تین (۹۵): ۴ - ۵.

۵. انسان (۷۶): ۳.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۰۴ - ۵۰۵.

بشویم تا بتوانیم از نور الهی و نور قرآن استفاده کنیم.^۱

در اهمیت خودسازی و تزکیه نفس همین بس که برای طی مسیر انسانیت و سلوک راه حق و پیمودن صراط مستقیم، در گام نخست و قبل از هر سازندگی و پیشرفت و توسعه‌ای، باید به خودسازی و تزکیه نفس قیام و اقدام کرد:

سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌ها است. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشأ همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود. انسان تا خودش را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود.^۲

امام خمینی در این سخن نیز خودسازی و تهذیب نفس را مقدم بر همه نوع سازندگی و اصلاحی می‌داند و هم تزکیه نفس و صالح شدن افراد را مقدمه، اصلاح جامعه می‌داند. توضیح اینکه اگر انسان‌های غیرمذهب و تزکیه نشده دست به انجام کارهایی بزنند، بی‌تردید آن کارها کامل و دقیق با موازین حق و عدل واقع نخواهد شد، چنانکه اگر تک‌تک افراد جامعه به خودسازی پردازند، از تزکیه و خودسازی این افراد، اجتماع مرکب از آنان نیز مذهب و پیراسته از کجی‌ها و بدی‌ها خواهد بود.

پس همان‌گونه که انسان با تمرین و تکرار ورزش جسمی، توانایی‌ها و ظرفیت‌های نهفته در بعد جسمانی خود را شکوفا می‌کند و در مسیر مفید و مورد قبول خود قرار می‌دهد و اگر چنین نکند جسم او دچار امراض و مبتلا به آفات می‌گردد؛ بعد روح او نیز چنین وضعیتی دارد؛ یعنی اگر به ورزش روحی و معنوی اقدام نکند و آن را اصلاح نکند و نفس خویش را نسازد، نفس او خراب شده و اضافه بر آن مخرب و تخریبگر خواهد شد.

تعریف اخلاق

«أخلاق» جمع «الخلق» و به معنای سیره و سجیه و عادت می‌باشد؛ چنانکه «الخلق» به معنای شکل و صورت ظاهری می‌باشد. اما با این تفاوت که شکل و صورت با همان خلق، با چشم مشاهده حسی و درک می‌شود؛ یعنی دیده می‌شود؛ ولی شناخت خلیات و سیره افراد، شناخت سجایای افراد است که با بصیرت و قوه مدرکه غیرحسی درک می‌شود و شناخته می‌گردد.^۳

از قرآن کریم فهمیده می‌شود که اخلاق به معنای نیکو بودن خصلت‌های خوب — فضائل — و زشت بودن خصلت‌های بد — رذائل — از امور فطری انسان‌ها است و انسان‌ها با درک وجدانی و به صورت

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۹۴.

۲. صحیفه امام ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۳. مفردات، راغب اصفهانی، ماده خلق.

فطری، زیبایی و زشتی فضائل و رذائل را درک می‌کنند: Γ و نَفْس و مَاسَوَاهَا* فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا و تَقْوَاهَا^۱
علم اخلاق وسیله‌ای برای تقرّب الی الله است، چرا که با تهذیب نفس و خودسازی، تخلیه و تخلیه
یعنی پیراشتن از زشتی‌ها و آراستن به فضیلت‌ها حاصل می‌شود و انسان با چنین حالتی به حق تعالی
نزدیک می‌شود و مراتب کمال را سیر می‌کند.

موضوع، مسائل و فوائد اخلاق

علم اخلاق به عنوان یک شاخه از دانش و یک رشته علمی، دارای موضوع می‌باشد؛ موضوعی که با
مسائل پیرامون آن و مرتبط با آن جمعاً آن علم را تشکیل می‌دهند.

موضوع علم اخلاق انسان است از این نظر و با این ملاحظه که منصف و آراسته به فضائل اخلاقی و
مکارم اخلاق می‌شود و یا آلوده به رذائل و زشتی‌های اخلاقی می‌گردد.^۲

با این تعریف از موضوع علم اخلاق، ضمناً مسائل این دانش هم روشن شده است. یعنی تک تک
فضائل و مکارم اخلاقی و رذائل و زشتی‌های اخلاق انسانی، مسائل علم اخلاق را تشکیل می‌دهند که در
علم اخلاق درباره حقیقت آن صفات و ملکات و نیز راه‌های تحصیل فضیلت‌ها و یا پیراستن نفس از
رذیلت‌ها و زشتی‌های اخلاقی بحث می‌شود. به عبارتی دیگر در علم اخلاق هم از یکایک صفات و
خلقیات پسندیده و نیز صفات نکوهیده و زشت، بحث می‌شود و زمینه‌ها و عوامل ایجاد صفات ممدوح
و نیز زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری صفات مذموم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فضیلت‌های اخلاقی و رذیلت‌های اخلاقی، محصول و نتیجه افکار، اقوال و افعال صاحبان فضائل و
رذائل می‌باشند؛ یعنی مثلاً ملکه عدالت یا شجاعت و دلیری و یا عفت و پاکدامنی و یا امانت و پاکدستی
و یا صداقت و راستگویی، و همچنین رذائلی مانند دروغ‌گویی، بی‌عفتی و یا خیانت‌کاری، به یک باره
حاصل نمی‌شوند، بلکه انباشته‌ای از افکار، اقوال و افعال نیک و بد است که با تکرار و عادت شدن،
ملکات ممدوح و مذموم را بوجود می‌آورند و همین فضائل و رذائل هویت و حقیقت صاحبان خود را
نشان می‌دهند و حقیقت و هویت انسان با ملکاتی که او از رهگذر افکار، اقوال و افعال ساخته است،
شناخته می‌شوند. و البته اگر ملکات اخلاقی – فضائل یا رذائل – در وجود شخصی شکل گیرد و بوجود
آید؛ زان پس اعمال و رفتارش از همین ملکات سرچشمه می‌گیرند و این ملکات سرچشمه اعمال بعدی
او خواهند بود؛ چرا که به نص قرآن کریم:

Γ كُلُّ يَوْمٍ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ^۳.

۱. شمس (۹۱): ۷ - ۸.

۲. ر.ک: دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمه العلمیه، ج ۱، ص ۴۳.

۳. اسراء (۱۷): ۸۴.

پس بسیار پسندیده، بلکه لازم است که فضائل و رذائل شناخته شوند و زمینه‌ها و راه‌های آراسته شدن به فضائل و نیز راه‌های فرار و خلاص از رذائل دانسته شوند تا سیر و سلوک در صراط مستقیم الهی میسر گردد، و معلوم است که این مهم در علم اخلاق است که هدف خود را آراسته کردن انسان‌ها به ملکات و فضائل اخلاقی از یک سو، و پیراستن و تهذیب نفس از رذائل اخلاقی قرار داده است. اگر تهذیب نفس و خودسازی تحقق پیدا کند، آثار و ثمرات جان‌های مهذب صلاح و سداد است نه فساد و انحراف، چنانکه در جامعه‌ای که افراد آن مهذب باشند، در آن جامعه اصلاح جای افساد را می‌گیرد؛ یعنی اکسیر تهذیب نفس و خودسازی — که رسالت اصلی و انحصاری علم اخلاق است — جان‌ها و جامعه و جهان را دگرگون می‌کند و راه صعود به اعلی‌علیین را برای سالکان راه حق هموار می‌سازد. با این نگاه و تبیین از کارکرد و ثمره علم اخلاق، این دانش خود با همه اهمیت و ارزشی که دارد، مقدمه هدفی ارزشمندتر می‌باشد و این همان دیدگاه دقیقی است که امام خمینی (س) دارد:

علم به منجیات و مهلکات در علم اخلاق، مقدمه [است] برای تهذیب نفوس.^۱
از دیدگاه ایشان شیوه متداول در کتاب‌های معروف و مهم اخلاقی که علمای بزرگ نوشته‌اند و شیوه‌ای که آنها در پیش گرفته‌اند،

انسان را از مقصد اصلی باز می‌دارد ... و از مقصد اصلی باز می‌دارد و از تهذیب و تطهیر اخلاق عقب می‌اندازد.^۲
ایشان در تبیین دیدگاه خود می‌گوید:

اخلاق علمی و تاریخی و همین‌طور تفسیر ادبی و علمی و شرح احادیث بدین منوال از مقصد و مقصود دور افتادن و تبعید قریب نمودن است. نویسندگان را عقیده آن است که مهم در علم اخلاق و شرح احادیث مربوطه به آن یا تفسیر آیات شریفه راجع به آن، آن است که نویسندگان آن با اِبشار و تَنْذیر و موعظت و نصیحت و تذکر دادن و یادآوری کردن، هر یک از مقاصد خود را در نفوس جایگزین کند.^۳

امام خمینی در تعبیری رسا مقصود خود را چنین بیان می‌کند:
کتاب اخلاق، موعظه کتبیّه باید باشد و خود معالجه کند دردها و عیب‌ها را، نه آن که راه علاج نشان دهد.

ریشه‌های اخلاقی را فهماندن و راه علاج نشان دادن، یک نفر را به مقصد نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهد و یک خلق فاسد را اصلاح ننماید. کتاب اخلاق آن است

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰.

۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۱ - ۱۳.

۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳.

که به مطالعه آن، نفس قاسی، نرم، و غیر مهذب، مهذب، و ظلمانی، نورانی شود، و آن، به آن است که عالم در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب، خود روای درد باشد، نه نسخه دوانما. طبیب روحانی باید کلامش حکم دوا داشته باشد نه حکم نسخه.^۱

از نظر امام خمینی کتاب‌های معروف اخلاقی مانند: *احیاء العلوم غزالی*، *طهاره الأعراف ابن مسکویه*، *اخلاق ناصری* خواجه نصر الدین، «نسخه» هستند نه «دوا» و داروی شفابخش.

^۱ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳.